

است، به استناد: انفال: ۱۷/۸: مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى،^۱ که از مبانی اندیشه ما و بسیاری از فلاسفه اسلامی است؛ یعنی خالقِ فعل خداوند است؛ اَمَّا فَعَلِ حَقَّ بِهِ دَسْتِ اِنْسَانٍ جَارِي مِي شُود وَ بَه هَمِين دَلِيلِ مَسْئُولِ وَ مَخْتَارِيم. تردید در امور، وجدان بشری و شرمندگی ناشی از خطا، نشان اختیار و مسئولیت است. استاد هم به همین دلیل شاگرد را توبیخ می‌کند، چون او را مسئول و مختار می‌داند.

اگر جبری مسلک بپندارد که جبر هست و انسان بیهوده می‌اندیشد که اختیاری هم دارد، در پاسخ باید گفت: در بیماری و رنج و درد که عاجزانه به خدا پناه می‌بری، به چیزهایی می‌اندیشی که قبلاً نمی‌اندیشیدی، به اینکه این درد پاسخ کدام بدی یا خطا بوده است؟ بنابراین بین که درد و رنج سبب بیداری‌ات شد و دلت را صفا بخشید تا به حقایقی که قبلاً هم بود، توجه کردی؛ پس بدان که تا دردِ حق جویی و دردِ درکِ حقیقت نباشد، هیچ کس به آگاهی نمی‌رسد؛ اما در تو هرگز درد وصول به حقیقت نبوده است تا دریابی که نه جبر مطلق هست و نه تفویض مطلق؛ بلکه حالتی است مابین آن. اگر واقعاً خود را محبوس زنجیرِ جباریتِ حق می‌بینی، چرا عجز خود را در نیافته‌ای؟ چگونه با این شادی‌های زودگذر شادمان می‌شوی؟ چرا از این اسارت نمی‌نالی؟ چگونه در برابر دیگران ابراز قدرت می‌کنی؟ پس بپذیر که جباری او را نمی‌بینی.

انبیا امور دنیوی را به پروردگار جبار می‌سپردند؛ اما کافران امور اُخروی را، آن هم به سبب آنکه خود را مسئول و مختار ندانند و از زیر بار تکالیف شانه خالی کنند. انبیا و اولیا خود را مسئول کار آخرت می‌دانند؛ ولی جاهلان می‌پندارند که کار دنیا به اختیار آنان و کار آخرت به اراده خداست. در هر حال، هرکس جذب همجنس و همجنس خود می‌شود. نَفْسِ حَقِّ سَتِيزَانِ دَر نَازِلِ تَرِينِ مَرْتَبَه، یعنی نار معنوی است که با دوزخ همجنس است و به همین دلیل، آنان به مراتب نازل‌تر هستی، یعنی دنیای مادی دلبسته‌اند؛ ولی انبیا که از عالی‌ترین مرتبه نَفْسِ یا نَفْسِ مَطْمَئِنَّةً برخوردار بودند، به ملکوتِ اعلیٰ گرایش داشتند.

اکنون به قصه بازگردیم و ببینیم که وزیر مکار چه کرد؟ او هر یک از امیران دوازده گانه را جداگانه به خلوت فراخواند و گفت: بعد از این جانشین بر حق من در دین عیسی (ع) تو هستی و سایر امیران باید از تو متابعت کنند، هر کس که سرکشی و طغیان کرد او را محبوس کن یا

۱. ای محمد، تو تیر نینداختی، هنگامی که انداختی، بلکه خداوند انداخت.